



احمد ابوالفتحی / نویسنده و منتقد

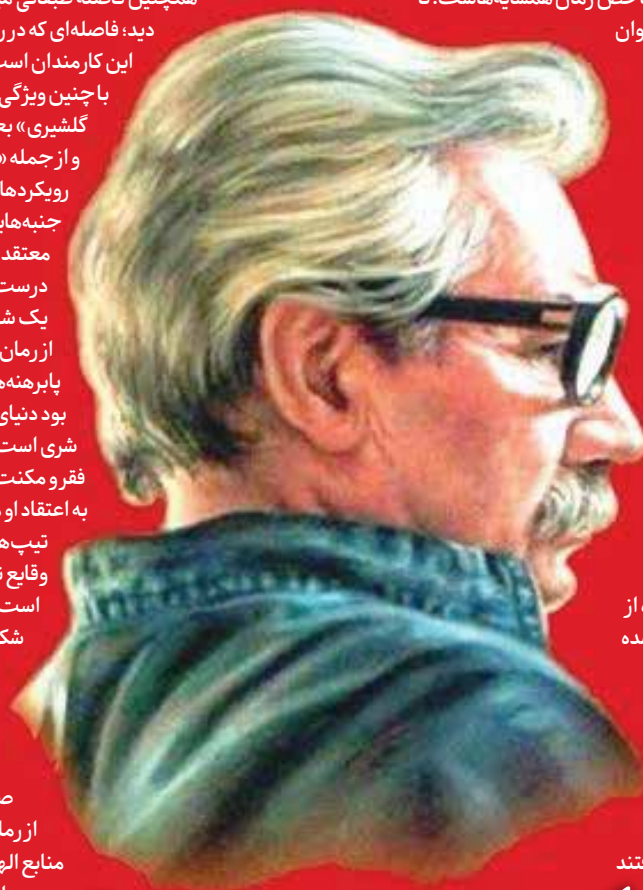
اودرباره احمد محمود نوشته و رنالیسم اجتماعی داستان نویسی اش



به تلمبه‌خانه شماره سه پالایشگاه نزدیک است و خبرهای مهم درباره ملی شدن نفت، پیوسته از رادیو شنیده می‌شود. به توصیف خالد، هنگام اخبار، همه کارگران و رانندگان چنان از راه می‌رسند گویی که مویشان را آتش زده باشند. خالد با کسانی همراه می‌شود که شب‌ها اعلامیه پخش می‌کنند و و بر دیوار در دفاع از ملی شدن نفت و کوتاه شدن دست استعمارگران شعار می‌نویسند. او دستگیر و به سه سال زندان محکوم می‌شود. زندان برای او محلی برای آشنایی عمیق‌تر با معضلات اجتماعی است؛ آشنایی‌ای متأثر از ایده‌های سوسیالیستی.

احمد محمود همچنین در رمانش به مضامین دیگری چون کاوش و نقد وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقشار فرودست جامعه و نوع ارتباط آنها با فرادستان نیز می‌پردازد. از مضامینی که در همسایه‌ها بخوبی نمود داستانی یافته است، بیکاری و کساد شدن بازار پس از ملی شدن نفت است. در همسایه‌ها هراس مردم از گرسنه ماندن پس از تعطیل شدن تصفیه‌خانه‌های نفت و بیکاری کارگران را می‌شود لمس کرد. در این رمان همچنین فاصله طبقاتی میان کارگران و کارمندان عالی‌رتبه نفتی را می‌شود دید؛ فاصله‌ای که در رابطه خالد با عشقش «سیه‌چشم» که فرزند یکی از این کارمندان است نمایان می‌شود.

با چنین ویژگی‌های مضمونی‌ای بود که منتقدانی نظیر «هوشنگ گلشیری» بعد از انتشار این کتاب و آثار دیگری از محمود و از جمله «داستان یک شهر» و «زمین سوخته» به نقد رویکردهای اندیشگانی رنالیسم محمود پرداختند و حتی جنبه‌هایی از رنالیسم آن را به پرسش کشیدند. گلشیری معتقد بود ساخت رمان همسایه‌ها با همه سادگی‌اش درست و به سامان است اما تکنیک این اثر و نیز «داستان یک شهر» و «زمین سوخته» را گزته‌برداری از یکی از رمان‌های شاخص «رنالیسم سوسیالیستی» یعنی پابره‌نه‌ها اثر زاهاریا استانکو می‌دانست. گلشیری معتقد بود دنیای رمان‌های احمد محمود ساده، آسان‌فهم و خیر و شری است. آدم‌های او تک‌بعدی هستند و کافی است درجه فقر و مکنت شان را بدانید تا حال و آینده‌شان مشخص شود. به اعتقاد او محمود همواره در حال بازتولید آدم‌های قالبی و تیپ‌های آرمانی است. علاوه بر این او به‌شیوه بازگویی وقایع تاریخی در آثار محمود هم نقد دارد. گلشیری معتقد است محمود به دلیل سمپاتی خود به حزب توده نوع شکنجه‌های سیستماتیک زندان‌های پس از کودتای ۳۲ را در رمان همسایه‌ها به زندان‌های زمان دولت مصدق تسری داده است. مقایسه همسایه‌ها با آثار شاخص رنالیسم سوسیالیستی به «پابره‌نه‌ها» محدود نمی‌شود. حسن میرعابدینی در کتاب صدسال داستان‌نویسی ایران علاوه بر «پابره‌نه‌ها»، از رمان «چگونه فولاد آبدیده شد» نیز به عنوان یکی از منابع الهام محمود در همسایه‌ها یاد کرده است. همچنین امیر هوشنگ افشاری‌راد اخیراً در گفت‌وگویی با احمد غلامی همسایه‌ها را همسایه «مادر» گورکی دانسته و گفته بود: «نویسنده چندان مایل نیست خالد را در مدرسه نشان بدهد چرا که یحتمل او با «اجتماع در حکم مدرسه یا دانشگاه» همداستان است. این رویکرد گورکی است.» با همه این تفاسیر اما آیا همسایه‌ها را می‌شود در چارچوب «رنالیسم سوسیالیستی» طبقه‌بندی کرد؟ بسیاری از منتقدانی که مایل نیستند چنین تقسیم‌بندی‌ای را بپذیرند جنبه‌های «انسانی» این رمان را برجسته‌تر از جنبه‌های «سوسیالیستی» آن تلقی می‌کنند، اما نمی‌توان برآمدن همسایه‌ها در بستر یکی گفت‌مان غالب بر آن مروج رنالیسم سوسیالیستی است، نفی کرد. خود محمود چنان‌که در نقل قول ابتدای این نوشته بیان شد، معتقد است او این اثر را «غریزی» و «کمتر با شناخت» نوشته است. در چنین شرایطی متأثر شدن نویسنده از خواننده‌هایش که آشکارا اغلب خاستگاهی در جهان رنالیسم سوسیالیستی داشته‌اند عجیب نیست. آنچه مهم است، این است که محمود به‌طور غریزی قصه‌گویی پرتوان بود و همین غریزه این رمان را تا این جای کار با همه کمبودهایش پیش آورده و پیش هم خواهد برد. لزومی ندارد در شرایطی که از گفت‌مان رنالیسم سوسیالیستی گذار کرده‌ایم، برای حفظ اعتبار همسایه‌ها خاستگاه آن را نفی کنیم. همسایه‌ها در کلیتش معتبر است و معتبر خواهد ماند؛ به‌عنوان یکی از اولین رمان‌های ایرانی‌ای که به معنای واقعی کلمه رمان و به معنای واقعی کلمه اجتماعی بود. رمانی که اگرچه خاستگاهش «رنالیسم سوسیالیستی» است ولی به معنای استالینی کلمه «سوسیالیستی» نیست و این بحثی است که بعدها باید به آن بپردازیم. ■



## احمد محمود و همسایه‌هایش

سال‌ها بعد از انتشار «همسایه‌ها»، احمد محمود در گفت‌وگویی با لی‌لی گلستان که در کتابی با نام «حکایت حال» منتشر شده است، گفته است: «همسایه‌ها را بیشتر با غریزه و کمتر با شناخت داستان نوشته‌ام، هر چه جلوتر آمده‌ام اتکایم به شناخت بیشتر شده است.» محمود همسایه‌ها را در شرایطی نوشت که گفتمان غالب حاکم بر فضای ادبی بسیار متأثر از رنالیسم سوسیالیستی‌ای بود که از سوی شوروی و حزب توده و برخی دیگر از نیروهای چپ‌گرا ترویج می‌شد. او نوشتن همسایه‌ها را سال ۱۳۴۲ در اهواز آغاز کرد و سال ۱۳۴۵ به پایان رساند. در آن سال‌ها و از مدت‌ها پیش از آن محمود تعلق خاطری وثیق به ایده‌های چپ داشت و هزینه این تعلق خاطر را با اخراج از ارتش، زندانی شدن در لشکر دوی زرهی (بعداً در سال ۱۳۵۳ یکی از همبندان روزگار زندانی بودن محمود در ارتش، یعنی ابراهیم یونسی، واسطه انتشار همسایه‌ها در انتشارات امیرکبیر شد) و تبعید به بندر لنگه پرداخته بود. آن تبعید بعدها محور اصلی یکی از بهترین آثارش شد: «داستان یک شهر».

تعلق خاطر به ایده‌های سوسیالیستی از ویژگی‌های شاخص رمان همسایه‌هاست. تا سال‌های متمادی این کتاب از سوی مخاطبان‌ش به عنوان اثری که به بهترین وجه «رنالیسم سوسیالیستی» را در بستر ایران شکل داده است مورد اقبال و طعن و توقیف قرار می‌گرفت. اقبال از سوی مخاطبانی که کتاب را پرفروش کردند و به محمود یاری رساندند تا با حق‌التحریر این کتاب بتواند امکان زیستی حداقلی در مقام نویسنده‌ای حرفه‌ای به دست آورد. طعن از سوی منتقدانی که تعلق خاطر چندانی به ایده‌های سوسیالیستی نداشتند یا تعلق خاطرشان به ایده‌های دیگر پرنرنگ‌تر از بُعد سوسیالیستی نگرش شان بود و توقیف از سوی دستگاه سانسور حکومت پهلوی. همسایه‌ها بعد از انتشار تا مدت‌ها اجازه توزیع پیدا نمی‌کند. بعدتر توزیع انجام و چاپ اول به سرعت تمام می‌شود. ناشر چاپ دوم کتاب را هم در پنج‌هزار نسخه منتشر کرده بود ولی تا زمان انقلاب اجازه توزیع پیدا نمی‌کند. بعد از انقلاب هم این کتاب دچار مسأله شد. این بار بیشتر به خاطر مسائلی غیر از نگرش چپ‌گرایانه‌اش.

در «همسایه‌ها» روند همراه شدن یک نوجوان برآمده از خانواده‌ای فرودست با ایده‌های چپ‌گرایانه تبیین شده است. تلاش شده این روند واقع‌گرایانه تبیین شود و تعلق خاطر و احترام نویسنده نسبت به ایده‌های سوسیالیستی در کتاب موج می‌زند. نفت و مسأله ملی شدن آن یکی از محورهای اساسی داستان است و محمود برخلاف نویسندگانی که پیش از او در روزگار پس از بیست‌وهشت مرداد با شیوه‌های سمبولیستی به سراغ مسأله نفت و ملی شدنش می‌رفتند (نمونه: سرگذشت گندوها اثر جلال آل احمد) تلاش کرده است واقع‌گرایانه و از مسیر همنشین کردن خالد، قهرمان نوجوان کنجکاوش، با مبارزان مخفی و کارگران معترض روند بسط ایده اعتراض به بهره‌گیری انگلیسی‌ها از نفت ایران را برای خواننده‌اش ترسیم کند. در جاهای مختلفی از رمان از زبان کارگران صنعت نفت، رانندگان کامیون‌ها و... حوادث تاریخی و مباحث رایج میان

مردم در دوره ملی شدن نفت مرور می‌شد. به‌عنوان نمونه پادرمیانی «هیأت استوکس» برای مذاکره با دولت مصدق، حضور کشتی نظامی «موریشس» در اروندرود و پیاده شدن چترپازان انگلیسی در قبرس از جمله وقایع پس از ملی شدن نفت هستند که در رمان به آنها اشاره شده است. از اساس حس مبارزه با استعمار از شاخصه‌های مضمونی همسایه‌هاست. شعارهای کودکان در خیابان‌ها نمودی از این حس است: «صاحب برو به خونه‌ت.» یا «فرنگی دین نداره، الاغش زین نداره.» علاوه بر این، بروز حس هویت ملی در همه قشرهای مردم در جریان ملی شدن نفت و آگاهی از غارت ثروت‌های ملی در بسیاری از بخش‌های رمان به تصویر درمی‌آید. این بیداری ویژه طبقه روشنفکر مبارز و یا کارگران صنعت نفت نیست؛ همه اقشار و مشاغل را دربر می‌گیرد. اتحاد و همبستگی ملی از دیگر حس‌هایی است که در رمان همسایه‌ها به خوبی تصویر شده است. به ویژه هنگامی که پس از ملی شدن صنعت نفت و در اوج شور و شادی مردم خبر تهدید نظامی انگلستان فراگیر می‌شود.

مکان بیشتر گفت و گو‌ها درباره مسائل اجتماعی، در این رمان، قهوه‌خانه است؛ جایی که